

بررسی مسئله مهاجرت

۱- باکترشی به ارتباط متقابل آن با مسائل و موضوعات بازرگانی کشور

در طرح مسئله مهاجرت در ایران و نقش آن در نا بسا ما نوها شاید جایی جهت طرح مباحث کلی باقی نمانده باشد. در نظا می کهنه‌ایتا * همه فعالیت‌ها در مسیر الی ا...، متوجه کرامت انسان و پهنابراین در خدمت جا معه است هیچگونه سیاستگذاری، برنا مه ریزی و برنا مه گزار ی— نمی‌تواند عقلانی، عملی و موثر واقع شود مگر اینکه با توجه به تحولات جا معه یا با صلاح مورفولوژیک آن پیش بینی و کنترل حرکات جمعیت و بنا بر این مهاجرت به داخل یا به خارج جا معه عمل کند.

مهاجرت بین جوامع درونی کشور، یعنی مهاجرت داخلی و بویژه مهاجرت روستائی، در عینا اینکه بسیار مفصل و پیچیده تر از مهاجرت خارجی است چون بدون هیچگونه کنترل و با صلاح " گذرنا مه " ای انجام می‌گیرد بیش و بیشتر باعث بی رویگی حرکات اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و تولید مسائل گوناگون می‌گردد.

بخش بازرگانی نه تنها در ایفای نقش اساسی خود، یعنی توزیع کالاها و ایجاد یک ارتباط منطقی و سازنده بین عرضه و تقاضای آن‌ها با مسئله عدم ثبات توزیع جغرافیائی یا تحرک دائم و در عین حال نامشخص جمعیت روبرو است، بلکه نه‌ایتا " میراث خوار کلیه مسائل مربوط به بخش‌های تامین کننده کالاها، یعنی کشاورزی و صنعت از یکطرف، و بخش خدمات عمومی (دولتی) از طرف دیگر واقع شده، در چهار دیواری تمامی این مسائل در محاصره قرار می‌گیرد.

عملکرد و توسعه نه‌چندان مطلوب، بلکه نامطلوب بخش‌های

تولیدی، عدم ایجاد اشتغال مولد به حد کافی در بخش کشاورزی روستائی، با وجود اینکه امکانات بالقوه کشاورزی وجود دارد و نیز بخش صنایع در شهر، با اضافه تداوم در آمد و برخی تسهیلات در شهر و روستا باعث هجوم نیروی انسانی، بویژه نیروی انسانی زائد بر ظرفیت جذب در بازار کار روستاها به شهرها، جذب اجباری آنها به بخش خدمات بازرگانی، تشکیل یک نظام متراکم و متورم در توزیع کالاهای شامل تعدادی بسیار زیاد واسطه‌ها، بویژه در سطح خرده فروشی در بازار با صلاح آزاد، و بالنتیجه تورم روز افزون با اضافه جمعیتی انبوه که مستعد احتکاک و گرانفروشی، و طالب انواع سوبسیدهای مصرفی است یک جریان نهاد می‌است که روز به روز قوی و قوی‌تر می‌گردد، و آینده‌ای نه چندان خوشایند را ترسیم می‌نماید.

منتهی از آنجا که این هجوم از بخش‌های تولیدی به بخش بازرگانی متضمن کاهش نرخ رشد و چسبندگی مطلق در میزان برخی فرآورده‌های تولیدی است بالنتیجه به دور و تسلسلی کاملاً باطل و ویرانگر می‌نجامد.

ناکامی نسبی سیاست‌گذاری‌ها

.....

تا زمانی که مهاجرت بی‌رویه از روستا به شهر و از بخش‌های تولیدی به بخش خدماتی بازرگانی بدین صورت انبوه وجود دارد هر گونه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و برنامه‌گذاری در بخش اخیزاگر خنثی نگردد لاقلاً به میزان یک چندم آنچه که باید و شاید موثر واقع نمی‌شود.

در حال حاضر:

– اتخاذ سیاست‌های جانشینی واردات – محدود کردن ورود کالاهای که مشابهاً داخلی دارند – تعیین نظام تولیدی کشور به تکیه بر منابع داخلی و حتی تلاش در جهت افزایش صادرات کالاهای غیر نفتی، زمانی موثر واقع می‌شود که از حرکت نیروی کار در بخش‌های تولیدی

به سوی فعالیت‌های خدماتی نیز جلوگیری بعمل می‌آید لکن در جهت
منافع تولید، چنین حرکاتی کنترل می‌گردید.

— جلوگیری از شیوع مصرف کالاهای بیگانه و تجملی و بطور کلی سعی در
احیاء و ترویج الگوی مصرف اسلامی با مهاجرت روستائیان به شهرها و
تغییر الگوی مصرف مهاجران در عمل خنثی شده آنچه که برخلاف
آنست تقویت می‌گردد.

— انبوه جمعیت "از بد حادثه به شهر پناه آورده" نه تنها مانعی راجع
در عملی کردن "نظام جدید توزیع با کاهش واسطه‌ها" است بلکه
هزاران هزار واسطه دیگر را نیز به بازارهای داخلی روانه ساخته از این
نظرو از نظر افزایش بر تعداد جمعیت مصرف کننده شهری، پرگرا نفروشی
و تورم می‌افزاید.

در چنین شرایطی چگونه میتوان از محدود کردن سود در تجارت
و کاهش سهم مواد مصرفی در کالاهای وارداتی بحث کرد؟ مهاجرت
به رویه روستائی یکی از بزرگترین عواملی است که به سقوط طرح‌ها و
برنامه‌های سازنده کمک کرده مسائل اقتصادی — اجتماعی کشور را دو
چندان می‌کند. بطور کلی عدم موازنه مطلوب تجاری و یا نتیجه وابستگی
روز افزون بسیاری از کشورهای در حال توسعه قبل از اینکه به بخشش
بازرگانی آنها مربوط شود، ناشی از هجوم نیروی انسانی اضافی سایر
بخش‌ها به این بخش و فعالیت‌های کم و کاستی‌ها می‌باشد که در بخش‌های
کشاورزی و صنعت وجود دارد.

سوابق مطالعاتی :

oooooooooooooooooooo

نظریه‌های مهاجرتی (نظریه "تفاوت‌ها" یا "دافعه و جذب") —
نظریه "دگرگونی" — نظریه "رکودی" و ... که جهت مطالعات جمعیتی
در ایران مطرح شده اند اگرچه با لاتفاق مصادیقی در جامعه مأمی‌یابند؛

لیکن فی الواقع ناشی از اوضاع و شرایط خاص کشورهای خاستگاه آنها و عمدتاً کشورهای صنعتی غرب می باشند. قبل از انقلاب اسلامی، تشویق ضمنی مهاجرت از روستا به شهر و جهت دادن نیروها از بخشهای تولید به بخشهای خدماتی را با "اقتصاد به مقیاس" توجیه می نمودند*، غافل از آنکه هرگز منظور از مقیاس مناسب خدمات رسانی وجود شهرهای عظیمی چون شیراز، اهواز، مشهد، اصفهان و بخصوص تهران در مقابل تخلیه روستاهای مولد و نسبتاً خودکفای این یا آن منطقه - و در حقیقت - انهدام سرمایه ها - نمی باشد.

پس از انقلاب، به زدودن سیاست تخریب اقتصادی رژیم سابق در بخش کشاورزی که به بهانه صنعتی کردن کشور و اتخاذ سهمی در بازار بین المللی مبتنی بر تئوری تقسیم کار بین الملل و در واقع در خدمت استکبار و وابسته کردن کشور انجام می گرفت، اقدام شد. منتهی بنظر میرسد که این اقدام بیشتر با توجه به نظرات قدیمی مشاهیری چون "بودویل" (Boudeville) بود تا کامترین و جدیدترین نظرات امثال "بوسروپ" (Boserup).

با این وجود مطالعات مهاجرت روستائی در ایران هر چند هم که از دیدگاه تئوریک و متدولوژیک، غنی، جدید و مناسب کشوری بود چون آمار مهاجرتی آن تا سرشماری عمومی ۱۳۶۵ وجود نداشت نمیتوانست فی الواقع با معنی مفید و سازنده واقع شود. نرخ مهاجرت روستائی کشور، بویژه بر حسب مناطق مختلف، قابل محاسبه نبود. بعلاوه، برخی از مطالعات انجام شده یا تا حدودی عاری از مفاهیم علمی مهاجرت بود، یا در تعریف مفاهیم، شیوه جدید را بیچراغ اتخاذاذ نکرده بودند و با نتیجه بین اینگونه مطالعات هماهنگی هی وجود نداشته قابل تطبیق و نتیجه گیری نبودند.

* ستیران، آمایش سرزمین در ایران، دفتر برنامه ریزی منطقه‌های

تعریف مهاجرت روستائی و انواع آن

oo

معمولاً "تغییر محل سکونت از روستا به شهر را مهاجرت روستائی می‌خوانند و محل کار را ملاک قرار نمی‌دهند، بنا بر این طبق تعریف شهر در ایران، اگر محل سکونت یکنفر از یک آبادی کمتر از ۵۰۰ نفر به یک آبادی بیشتر از ۵۰۰ نفر جمعیت منتقل شود مهاجرت روستائی انجام گرفته است، و همینکه جمعیت آبادی از ۵۰۰ نفر تجاوز کرد و بر حسب تعداد جمعیت تبدیل به شهر شد تمامی اهالی آبادی را مهاجر روستائی بشمار می‌آورند.

مسلمانان " حرکتی که روزانه بین محل سکونت و محل کار جمعیت یا نظایر آن انجام می‌گیرد هر چند که طولانی باشد مهاجرت بشمار نمی‌آید و جا بجائی جمعیت " خوانده می‌شود، لیکن چنین حرکت‌هایی اگر منجر به سکونت در شهر گردد و معمولاً " نام مسافرت بخودنگیرد مهاجرت روستائی نامیده می‌شود که با زهر حسب طول مدت مهاجرت، به دو نوع تقسیم می‌شود: فصلی و دائم.

مهاجرت فصلی معمولاً " طی یک فصل و بهر حال در طول سال انجام می‌گیرد و بنا بر اقلیم ایران، در عرف و عادت جمعیت ماریشه دوانده است. لیکن در عمل فقط موقعی بحساب می‌آید که بمنظور اشتغال باشد؛ مثلاً مهاجرت روستائیان در زمستان به شهرها و اشتغال آنان به امور ساختن و تعمیرات. اتفاقاً " همین نوع مهاجرت است که گاهی به سکونت دائم مهاجرین در شهر ختم می‌شود.

مهاجرت دائم بمعنی همان سکونت دائم فرد مهاجر، یا وی و افراد تحت تکفلش، در مدتی حداقل بیش از یکسال در شهر می‌باشند و معمولاً " منظور از " مهاجرت روستائی " همین نوع از مهاجرت است.

تحول جمعیت شهری و روستائی کشور

.....

خصوصیات مهاجرت روستائی ایران قبل از انقلاب اسلامی و پس از آن اگر چه در اساس، تفاوتی مهم نداشته است، لیکن در هر حال از یکدیگر متمایز می نماید. ریشه مسئله مهاجرت روستائی، نظیر سایر مسائل اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی کشور در ناسامانی های متعددی است که قبل از انقلاب اسلامی بوجود آمده است.

قبل از انقلاب اسلامی - از زمانی که آثار رسمی در ایران وجود دارد تا ستانها انقلاب اسلامی قدر مطلق جمعیت روستائی به هیچ وجه کاهش نیافته است. لیکن نسبت به جمعیت شهری همواره در حال کاهش بوده است.

برآورد جمعیت کل کشور بر حسب شهری و روستائی از سال ۱۲۸۰ (هزار نفر)

سال	کل جمعیت	شهری	درصد	روستائی	درصد
۱۲۸۰	-	-	۲۱	-	۷۹
۱۳۰۰	۹,۷۰۷	۲,۷۱۸	۲۸	۶,۹۸۹	۷۲
۱۳۲۰	۱۲,۸۳۳	۳,۷۷۳	۲۹	۹,۰۶۰	۷۱
۱۳۳۵	۱۸,۹۵۵	۵,۹۵۴	۳۱	۱۳,۰۰۱	۶۹
۱۳۴۰	۲۲,۳۷۲	۷,۷۱۸	۳۴	۱۴,۶۵۴	۶۶
۱۳۴۵	۲۵,۷۸۹	۹,۷۹۴	۳۸	۱۵,۹۹۵	۶۲
۱۳۵۰	۳۰,۰۲۰	۱۲,۳۹۸	۴۱	۱۷,۶۲۲	۵۹
۱۳۵۵	۳۳,۷۰۹	۱۵,۸۵۵	۴۷	۱۷,۸۵۴	۵۳
۱۳۶۰	۳۹,۵۳۶	۱۹,۶۲۱	۵۰	۱۹,۹۱۵	۵۰
۱۳۶۵	۴۹,۷۶۴	۲۶,۹۵۲	۵۴	۲۲,۸۱۱	۴۶

مآخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵، نتایج مقدماتی کل کشور، ۱۳۶۵.

مرکز آمار ایران، پیش بینی گذشته نگری جمعیت شهری و روستائی ایران ۱۳۵۲، ص ۷.

مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۶۲.

مرکز آمار ایران، ایران در آینه آماری.

مرکز آمار ایران، بیان آثار تحولات اقتصادی اجتماعی ایران ...

۱۳۵۵.

طی پنجاه سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، جمعیت روستا
کشور نه تنها بدلیل مهاجرت کاهش نیافته است بلکه به حدود سه برابر
افزایش یافته است. اما در همین مدت میزان افزایش جمعیت شهری
شش (۶) برابر بوده است. در نتیجه حدود ۲۰ درصد از سهم جمعیت روستا
در کل جمعیت کشور کم شده و به همین میزان به جمعیت شهری اضافه گشته است.
پایه‌مدهای این ۴۰ درصد تغییر که بسیار ناگوار است بردوش بخش بازرگانی
سنگینی کرده است.

آثار مهاجرت روستائی بر بخش بازرگانی در ایستگاه دورها
می‌توان بطور کلی بدین ترتیب برشمرد:

— این ۲۰ درصد از جمعیت — که جدا از کالاهای نظیر قند و چای و منسوجات
خود مصرف بوده و اصطلاحاً از تولید به مصرف در مورد آنان فی الواقع
صدق می‌کرده است — بصورت مصرف‌کننده شهری درآمد به‌لنتیجه
حدود ۲۰ درصد برون، حجم و ارزش کالاهای در توزیع یا بازرگانی
شهری افزوده‌اند.

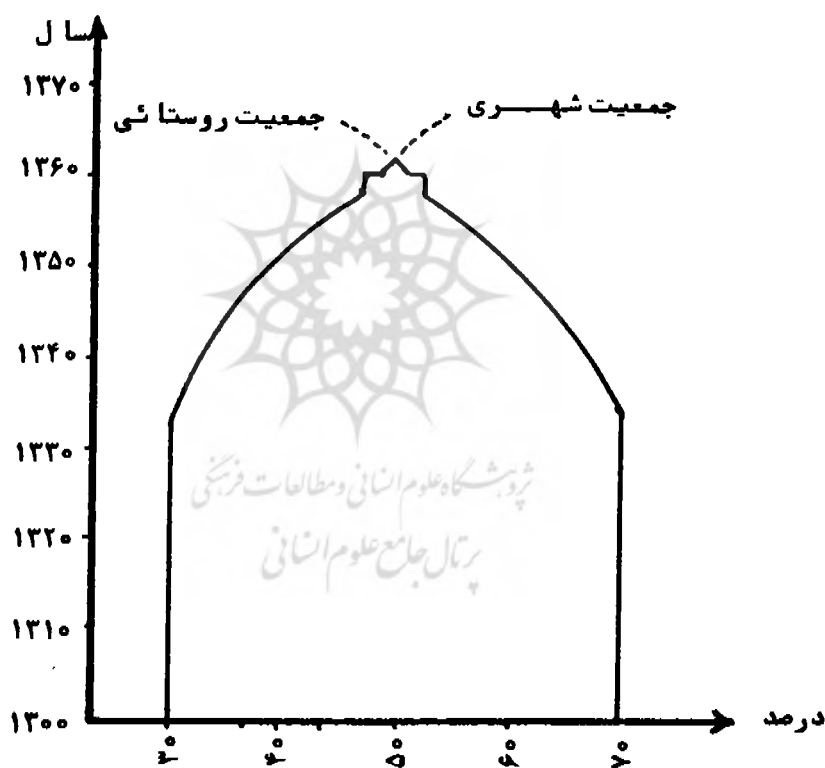
— چون این ۲۰ درصد از جمعیت روستائی که اکثراً "در بخش کشاورزی مشغول
بوده‌اند مهاجرت می‌کنند می‌توان به‌همین نسبت به کاهش بالفعل یا
لااقل بالقوه در تولیدات کشاورزی قائل بود. بعلاوه چون خود عمدتاً
از حالت تولیدکنندگی به حالت مصرف‌کنندگی صرف کالاهای کشاورزی بیرون
می‌آیند میزان تولید نسبت به مصرف سقوط کرده نیاز به واردات کالاهای
کشاورزی یا لاقال کالاهای اساسی و بویژه حیاتی مثل گندم پیش می‌آید.

اتفاقاً، سال ۱۳۳۵ که نقطه عطفی در مهاجرت روستائی
بشمار می‌آید واردات گندم نیز به‌میزانی با اصطلاح معنی دار رسیده و در
طول دهه ۱۳۳۵-۱۳۴۴، خیز و هجوم روستائیان مهاجر به شهرها با شروع
افزایش واردات بسیاری از کالاهای حیاتی (گندم از سال ۱۳۳۵- برنج
از سال ۱۳۳۹- جواز سال ۱۳۴۱- و ۱۰۰۰) و اساسی توأم بوده است.

— مهاجرت ۲۰ درصد از جمعیت کشور از روستا به شهر بمعنی تغییر الگوی

مصرف ایشان از الگوی مصرف روستائی به الگوی مصرف شهری است که گذشته از کمیت بیشتر - اکثرا " ناشی از اسراف در شهر - به کالاهای معمولاً گرانتر و وارداتی روی می آورد که بالنها به برحجم بازرگانی خارجی و در واقع واردات از خارج بازهم می افزاید.

بعد از انقلاب اسلامی - تا مدتی مهاجرت روستائی گاه - شش یافته بود. اما مجدداً " و بصورت تقریبی به همان روال سابق بازگشت و بهر حال نقطه تغییر تعادل جمعیت کشور از اکثریت روستائی به اکثریت شهری را بین سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۳ جستجوی کنند :



در مجموع، میزان مهاجرت روستائی در سالهای بعد از انقلاب، حاکی از چیزی نیست مگر ادامه همان جریان قبل از انقلاب، منتهی از نظر جایگاه و تغییرات احتمالی نقش بخش بازرگانی در این مسیر

لازم است که نیم نگاه‌ی به مهمترین علل و عوامل مهاجرت روستائی در ایران، هرچند بصورتی فهرست وارداشته باشیم.

این علل و عوامل را طبق معمول می‌توان به علل و عوامل دافعه در روستا از یک طرف و جاذبه در شهر از طرف دیگر تقسیم کرد، که خود به بخش‌های اقتصادی - اجتماعی و غیراً آن تقسیم می‌شوند.

علل و عوامل دافعه در روستاها

oooooooooooooooooooooooooooo

علل و عوامل اقتصادی دافعه روستائی قبل از انقلاب در پائین بودن سطح زندگی تجلی می‌کرد. کمبود درآمد در روستا نسبت به شهر و برحسب بودجه خانوار روستائی و تا شیرنه چندان مفید تورم در آن، چهره کلی مسئله را ترسیم می‌نمود. ورود محصولات کشاورزی خارجی به قیمت‌های ارزانتر از قیمت تمام شده محصولات روستائیان و عدم پرداخت سوبسیدها تولیدی باعث می‌شد که سهم درآمد و بالنتیجه سطح زندگی روستائیان نسبت به هموطنان شهری خود روز بروز کاهش یابد.

مهم‌تر از مسئله کمبود درآمد، مسئله بیکاری بود که در اثر نقش ناهماهنگ ساخت‌های کشاورزی (مثل مسئله تقسیم زمین ضمن تقسیم میراث)، بطور کلی کمبود یا اصولاً فقدان زمین قابل کشت تحت تصرف کشاورز، نبود و کمبود آب و عدم امکانات کافی جهت صرفه‌جویی در آن، کمبود سایر وسایل کشاورزی و ضعف تکنولوژی که در مرحله سنتی باقی مانده بود یا نقش غیر عقلانی آنچه که وارد می‌شد، روستائیان را بسوی شهرها سوق می‌داد.

مهاجرت روستائی به شهر ضمن " نوعی امکان ارتقاء اقتصادی اجتماعی وی را در بخش‌های صنعت، بازرگانی و خدمات فراهم می‌ساخت.

زیرا در روستاها صنایع دستی بخاطر کمبود امکانات لازم در مقابله با صنایع ماشینی روبه اضمحلال می رفت. بازرگانی سنتی در قبال سبب روستا - رباط ها و نظایر آن در برابر توسعه امکانات حمل و نقل ماشینی رنگ می باخت و هرگز تورسیم واقعی جای آن را نمی گرفت. در همین راستا، آبادی های مرزی، بندری، گمرکی نقش و در نتیجه هویت خود را تضعیف شده می دیدند.

امکانات حمل و نقل بجای آنکه بیشتر در توسعه روستاها بکار گرفته شود منجر به تخریب روستاها و تسهیل مهاجرت های روستائی گردید. تسلط بازرگانان، سلف خران و بنکداران شهری بر روستاها امکان هرگونه رشد بازرگانی بین روستائیان را سلب کرد. دولت نیز بجای آنکه تا سیاست نگهداری و ذخیره سازی کالاهای کشاورزی: نظیر انبارها، سیلوها و سردخانه ها را به روستاها و درجوار محل تولید و گذار کند با بنای آنها در حاشیه و حتی قلب شهرها به جریان مهاجرت روستائی شدت بخشید.

پس از انقلاب، مسائل اساسی مربوط به ساختار اقتصادی روستاها، کمبود زمین و آب و تکنیک در دست کشاورز، کمبود مواد اعتبار و... همچنان باقی ماندند. سلف خری، احتکار و بنکداری نیز بضرر روستائی ادامه می یافت. سیاست بازرگانی درجاگزینی واردات و افزایش درموردی کسب مجدد با زارمادرات با اصطلاح غیرنفتی منسوط به حل قبلی اینگونه مسائل و بویژه تولید اشتغال جهت روستائیان می شد. تورم منطقی یا افزایش قیمت محصولات کشاورزی با حذف واسطه ها و افزایش درآمد روستائیان می توانست در جلوگیری از مهاجرت روستائی موثر واقع گردد. لیکن سیاست کمبود پرداخت سوبسیدهای

تولیدی در روستاها نسبت به سوبسیدهای مصرفی در شهرها که فی‌المثل نرخ نان را به دو برابر نرخ آن در شهر افزایش داده بود و نرخ بسیار بالاتر تورم در کالاهای غیرکشا و رزی موردنیاز روستائیان در بازاری که به هیچ وجه نرخ گذاری و کنترل نمی شد و تاثیر نهای آن بر بودجه و سطح زندگی خانوار روستائی ، بجای حل کردن مسئله ، آن را تغییر داد . تدارک برخی از تسهیلات رفاهی - خدماتی نظیر آب - برق - تلفن - یخچال - کولر - تلویزیون و .. نیز موجب تشدید صورت جدید این مسئله شد . رویه مرفه علل و عوامل اجتماعی - سیاسی دافعه روستا نیز پیش از پیش به علل و عوامل اقتصادی مهاجرت روستائیان پیوستند .

علل و عوامل اجتماعی دافعه روستاها را اصولاً " در کمبود تجهیزات خدماتی در روستاها دانسته اند . لیکن منظور از اینگونه خدمات بیشتر خدمات آموزشی ، درمانی ، توزیع کالاها ، تسهیل در امر خرید و تامین ما یحتاج عمومی و روزمره روستائیان که در واحدهای مسکونی پراکنده ، قریه ها ، ایلات و عشایر زندگی می کنند می باشد تا روستائی جهت تحصیل ، درمان ، خرید و فروش و نظایر آنها به شهرنیا زمیند نباشد . تهیه تجهیزات نظیر برق و یخچال و تلویزیون بدون بالابردن امکانات کشا و رزی و افزایش درآمد روستائی ، فقط به هزینه وی افزوده وی را بیش از پیش بفرمها جرت می اندازد . برنامهای رادیو و تلویزیون در مقابل هر یک دقیقه ای که در تبلیغ بر علیه مهاجرت روستائیان به شهرها است عملاً " ده ها دقیقه به ترغیب و تشویق ایشان به مهاجرت می پردازد . طلب استقلال فردی در زندگی و رقابت بین افراد ، از جمله سایر عوامل اجتماعی مهاجرت بشمار می روند .

علل و عوامل سیاسی دافع روستاها در دوره قبل از انقلاب را شاید بتوان از جمله مهمترین علل و عوامل مهاجرت روستایی ایران دانست. اصلاحات ارضی و تاسیسات کشت و صنعت ساختگی، سعی به وابستگی دربار جبهانی کالاهای و تغییر الگوی مصرف روستائیان، بویژه توسط اصطلاح "سپاهیان انقلاب سفید" در تضعیف و تخریب روستاها نقش اساسی ایفا نموده اند.

بعد از انقلاب، تحریم های اقتصادی به صورت گوناگون و نیز جنگ تحمیلی و اعزام نیروهای رزمنده روستایی از طریق شهرها نقش نسبتاً قابل توجه در آشنائی جوانان با شهرها و تمایل آنان به مهاجرت داشته است.

سایر علل و عوامل دافع روستایی، نظیر خشکسالی، سیل، زلزله، پراکندگی واحدهای مسکونی در روستاها و نیاز ساکنین آنها به تجمع نیز در نهایت امر قابل محاسبه اند.

با یک نگاه جمالی به روستاهای ایران شاید بتوان بر اساس معیارهای تراکم فیزیولوژیک، مهاجرت روستایی را کم و بیش با اتکاء بر تئوری "کم درآمدترها زودتر مهاجرت می کنند" از آلفردسوه (A. Sauvey) مورد مطالعه قرارداد.

علل و عوامل جاذبه در شهرها

oooooooooooooooooooooooooooo

شاید جاذبه های شهری نقش بسیار کمتری در مهاجرت روستایی ایفا کنند و علل اصلی را عدم رشد توسعه کافی در بخش کشاورزی و کمبود درآمد تشکیل دهند.

بخش های صنایع و خدمات، معمولاً جاذبه نیروی انسانی

زائد در روستاها بشمار می روند و بنا بر این مهاجرت روستائیان مثلاً " به شهر تهران می تواند بدین وسیله توجیه شود: تخمیناً "ثلث فعالیت های ساختمانی کشور و بیش از نیمی از صنایع و دوسوم حجم بازرگانی در تهران متمرکز شده است. اما مثلاً " صنایع خدمات دولتی و بازرگانی تهران بعد از انقلاب با وجود انواع تحریمات اقتصادی و بویژه جنگ تحمیلی، به چه میزان نیروی انسانی مهاجر روستائی - که در ضمن غیرماهر نیز هست - نیازی داشته است؟

نیروی انسانی مهاجر عمدتاً " یا خود بصورتی مستقیم وارد بخش بازرگانی شده است یا جا نشین کسانی گردیده است که به این بخش روی آورده اند. در نتیجه حجم این بخش شاید چند برابر آن چیزی است که می بایست باشد. چه بسا اکثر کسانی که در بخش بازرگانی تهران مشغول اند زائد باشند. همین خیل عظیم است که میتواند مسئول واقعی تورم و سایر نابسامانی های اقتصادی، چه از لحاظ نقش های واسطگی که اجرا میکند و چه از لحاظ تعویض نقش خود از تولیدکننده به مصرف کننده قرار گیرد. تا آنجا که به شغل و درآمد مربوط میشود، شغل روستائی در شهر احتمالاً " بسیار پردرآمدتر است اما در سال زندگی یا مخرب بودن آن جای بحث می باشد. در آنچه که به بخش بازرگانی بر میگردد نمیتوان این بخش را از جمله علل و عوامل حقیقی جاذبه روستائی بشمار آورد. آنچه که فی الواقع وجود دارد ناشی از عدم کنترل و اداره کافی نیروی انسانی کشور است.

در عوض، خدمات بازرگانی در شهرها، بویژه در تهران می تواند از جمله علل و عوامل جاذبه مهاجرین روستائی بشمار آیند:

- توزیع کالاهای حیاتی و اساسی بصورتی منظم تر و بویژه مطمئن تر در شهرها.

- تعلق سوبسید بیشتر به برخی از مصارف شهری (نان - برنج - شیر - و...)

– تسهیلات ادا ری در ا مور بی سیج ا ق ت ص د ی ک ش و ر و د و ر د ف ت ر چ ه م ر ب و ط ب ه
شهرها

– تسهیلات توزیع کالاهای ساختمانی در شهرها و رونق بخش ساختمان

– اغماض از حضور واسطه‌های بسیار متعدد در بازار با اصطلاح آزاد

– و

گذشته زهرج و مرچ ناشی از برخی اغماضها در شبکه توزیع کالا،

سیستم چندنرخه، گرانفروشی و تورم که بر مصرف‌کننده روستائی فشار وارد آورده‌وی را جهت استفاده بیشتر و بهتر از خدمات بازرگانی به شهرها می‌کشد نه تنها در مسائل مربوط به اقتصاد بازرگانی شهرها با شهرنشین‌ها شریک می‌گردد بلکه با از دست دادن، یا حتی کاهش نقش تولیدی و افزایش توقعات خود به عنوان مصرف‌کننده، به دور باطل اقتصادی نیرو می‌بخشد.

صرف نظر از مهاجر روستائی بعنوان مولد محصولات زراعی، کارگر قالیبافی که به شهر مهاجرت می‌کند خواه ناخواه متوقع دستمزدهای بیشتری است. دستمزدهای افزون‌وی به معنی افزایش قیمت قالی، چه در داخل و چه در خارج بعنوان قالی‌سازان، است. افزایش قیمت کالی‌سازان (قالی‌بمعنی از دست دادن یا کاهش قدرت رقابتی آن با کالاهای مشابه) قالی‌هندو چین و ترکیه و... و چه بسا از دست دادن با اصطلاح بازار خارجی ارز و راست که با زبدهای کاهش نسبی تولیدپشم داخلی بدلیل مهاجرت روستائی، امکان خریدپشم از خارج را نیز کاهش می‌دهد و دور باطل در روابط بازرگانی داخلی به دور باطل در روابط بازرگانی خارجی نیز سرایت می‌کند، دوری که فی الواقع بمعنی توقف و انهدام تدریجی اقتصاد کشور است.

بخش بازرگانی کشور در ایفای نقش توزیع کننده کالاها مسئله عدم ثبات و تحرک توزیع جغرافیائی جمعیت مصرف کننده روبرو است که این عدم ثبات به نوبت خود ناشی از مسائل بخش های تولیدی، بویژه بخش کشاورزی است. از سوی دیگر همین مسائل در چارچوب بازرگاری، اشتغال نیروی انسانی موجب شده اند که نیروی انسانی بالقوه مولد کشور به سوی مشاغل غیر ضروری یا با صلاح مشاغل کاذب - روی آورده با تعدد واسطه ها روز بروز بر میزان تورم بیافزایند - اتخاذ سیاست سیاستگزاری اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی زمانی امکان پذیر می گردد که مهاجرت داخلی و بویژه مهاجرت روستائی بنا بر یک برنامه ریزی آگاهانه و برنامه گذاری منظم و قاطع باشد. سیاستگزاری و برنامه ریزی های قبل از انقلاب قابل توجه منطقی نمی نمایند. پس از انقلاب نیز بدلیل فقدان آماري که حاکی از میزان مهاجرت روستائی باشد برنامه ریزی در این خصوص تقریباً " غیر ممکن" می شده است. لیکن این آمار از سال ۱۳۶۵ وجود دارد و دقیقاً " در زمانی قراردادیم که برنامه ریزی رشد و توسعه در بخش های صنعت و بخصوص کشاورزی از دیدگاه اشتغال نیروی انسانی، جلوگیری از هجوم آن به بخش بازرگانی و به شهرها از تولید کننده به عنوان اکثراً " مصرف کننده" صرف می تواند تا حدود بسیار زیادی از بار مسائل بخش بازرگانی بکاهد.

مهاجرت از روستا علاوه بر آنکه باری بهر جهت بمعنی کاهش نیروی تولید و افزایش مصرف بصورت کلی است در الگوی مصرف نیز تأثیر می گذارد و با توجه به اینکه الگوی مصرف شهری بیش از الگوی مصرف سنتی روستائی وابسته به واردات است از این لحاظ نیز افزایش نسبت جمعیت شهری بمعنی افزایش نسبت نیاز به واردات و بالنتیجه وابستگی اقتصادی است.